

ضرورت تغییر در اهداف کلی آموزش عالی ایران متناسب با ماهیت علمی جهانی شدن

* مهدی سبحانی نژاد، اقدس شایسته ۲

۱- دانشیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد
<sohbaninejad@shahed.ac.ir>

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد
<a.shayesteh2@gmail.com>

* - مهدی، سبحانی نژاد، دانشگاه شاهد «تهران، بزرگراه خلیج فارس، روبروی حرم مطهر امام خمینی (ره)»، ۰۹۱۲۳۸۴۵۶۰۸.

چکیده

در پژوهش به تبیین ماهیت علمی جهانی شدن و ضرورت تغییر در اهداف کلی آموزش عالی ایران متناسب با آن پرداخته شده است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی می باشد و به منظور گردآوری داده های لازم کلیه اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع حاضر با استفاده از فرم گردآوری داده ها جمع آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برخی از عمده ترین اهداف کلی آموزش عالی ایران در انطباق با بعد علمی جهانی شدن شامل؛ همگانی کردن علم و دانش و فن آوری؛ نهادینه کردن تکثر منابع اطلاعاتی و روابط اجتماعی در یک جماعت مجازی و در نهایت فرهنگ سازی استفاده از سیستم آموزش بین المللی و اغناء برنامه های آموزشی در بین دانشجویان می باشد. کلید واژه: جهانی شدن، اهداف کلی، آموزش عالی.

مقدمه

جهانی شدن از پیشینه دیرینه ای برخوردار است البته نه به معنی تحقق شرایط و مولفه های جهانی شدن از جمله، گستردگی ارتباطات، افزایش اطلاعات و تکنولوژی پیشرفته بلکه بیشتر در سطح آرزوها و پندار. در قرون گذشته تنها کسانی که قدرت و توان تصور جهانی شدن (یعنی امکان گسترش نامحدوده قلمرو تاثیرگذاری، تملک، و یا خودبزرگ بینی) را داشتند عبارت بودند از: امپراطور، پاپ، پادشاه، پیشوا. با تحولات قرن بیستم که فن آوری های ارزان قیمتی در زمینه ارتباطات و حمل و نقل به وجود آمد، پتانسیل جهانی شدن به واقع در دست همگان قرار گرفت (جورجن، ۱۹۹۹).

امروزه دارا بودن اطلاعات، آگاهی و تحول و نوآوری از عوامل اصلی پیشرفت تلقی می شود و شکی نیست که بین تحقق این پیشرفت ها و کارکرد نظام های آموزشی نسبت منطقی وجود دارد. از مدارس و دانشگاه ها نیز انتظار می رود تا توجه خود را معطوف به تحویل فارغ التحصیلانی کنند که در زمینه فنون و علوم تولید نرم افزاری و برآورده ساختن نیازهای اقتصاد بازار کارآیی داشته باشند. طرفداران جهانی شدن تعلیم و تربیت با طرح این سه نکته که نظام آموزشی باعث ناکامی فرزندانمان می شود و فارغ التحصیلان مهارت های لازم را ندارند و این که ایجاد کار برای فردی که دارای تخصص بالا می باشد، مشکل است، بر این راهکار تاکید می کنند که تعلیم و تربیت عمومی باید سه هدف عمده را دنبال کند: اولین هدف تامین وفاداری ایدئولوژیکی جوانان به نظریه تجارت آزاد جهانی با توجه به حفظ محیط زیست، حقوق مشترک و نقش دولت می باشد. دومین هدف راهیابی بازار به قلب و ذهن مشتریان جوان و بستن قراردادهای پرسود در رابطه با تعلیم و تربیت می باشد و سومین هدف هم تبدیل نظام آموزشی به مراکزی تعلیمی است که نیروی کاری مناسب با نیاز شرکت های فراملی تولید کند (اسمیت، ۱۹۹۹). به هر حال مشکل تعلیم و تربیت و نظام های آموزشی این است که باید بتوانند انسان هایی تربیت کنند که بتوانند در دنیای مولد و در حال تغییر زندگی کنند. دنیایی که دارای اختلاف طبقاتی، فرهنگی و اجتماعی حاد نباشد. دنیایی که بیش از پیش به نظام شبکه ها متصل و وابسته است. بر این اساس دو سوال مورد بررسی در پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- تأثیرات جهانی شدن بر بعد علمی آموزش عالی چیست و مصادیق آن کدام اند؟
۲- عمده ترین انطباق های ضروری در اهداف آموزش عالی ایران با عنایت به تأثیرات علمی جهانی شدن چیست؟

روش

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل اسنادی می باشد. از این رو کلیه اسناد و مدارک موجود در ارتباط با ابعاد تأثیرات جهانی شدن بر آموزش عالی بررسی و تحلیل شده ، سپس اهداف کلی مصوب آموزش عالی ایران تحلیل و نهایتاً به تحلیل تغییرات اهداف آموزش عالی ایران در انطباق با ابعاد جهانی شدن پرداخته شده است. با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد ، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی ((جهانی شدن و اهداف آموزش عالی ایران)) است

یافته ها

۱- بررسی سوال اول پژوهش

اولین سوال پژوهش عبارت بود از این که:

چگونگی تأثیر جهانی شدن بر نظام های آموزشی را می توان با بررسی میزان اصلاحاتی که متوجه تمرکززدایی است، مطالعه کرد. قلمرویی چون سازماندهی نظام های آموزشی، چگونگی آموزش و تدوین محتوی آموزشی از جمله مواردی هستند که از جهانی شدن تأثیر می پذیرند (مک گین ، ۱۹۹۷).

ظهور پارادایم یادگیری و تعلیم و تربیت جهانی، یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن است، این پارادایم در زمینه آموزش عالی بیشتر به استاندارد شدن مدارک تحصیلی و ارزشیابی و تمرکززدایی تأکید دارد. توجه به برنامه های درسی جهانی و کل گرا نیز از دیگر ویژگی های پارادایم مذکور است (کالورت، ۱۹۹۹).

اهم پیامدهای چالش برانگیز جهانی شدن بر آموزش عالی به شرح ذیل می باشد :

۱- با ظهور رسانه های پیشرفته و تکنولوژی مدرن همچون ماهواره ، اینترنت و رایانه که همگی نقش آموزشی و تربیتی را دارا هستند، میزان کنترل برآمخته ها و کیفیت و جهت گیری های آموزشی و تربیتی کاهش می یابد و دانشگاهها رقبای جدیدی را شاهد خواهند بود و آموزش عالی دیگر محدود به مکانی به نام دانشگاه نخواهد بود.

۲- روند جهانی شدن تعلیم و تربیت ، بخاطر بی توجهی به توانایی های جوامع محلی و میزبان و تلاش در جهت القای نظام آموزشی واحد جهانی، به لحاظ محلی و بومی آثار سوء فراوانی را در پی خواهد داشت؛ همچون تضعیف نظام های آموزش محلی و ملی ، آنها هم بخاطر حضور و غلبه کالاهای فرهنگی و تولیدات آموزشی نظام های سلطه در کشورهای مختلف.

۳- تصویری شدن شیوه های ارسال اطلاعات و تضعیف شیوه های آموزشی مبتنی بر متن های مکتوب و در نتیجه کاهش کنترل و هدایت نوع و کیفیت یادگیری های مورد نظر نظام های ملی و محلی.

۴- جایگاه ممتاز دانشگاه ها به عنوان محل اختصاصی برای تصمیم گیری پیرامون چگونگی آموزش و تدوین محتوای درسی و سازماندهی رشته های تحصیلی، تضعیف خواهد شد.

۵- با توجه به این که هر جامعه ای حدود معنایی و هویتی را برای نظام های آموزشی خود تعریف می کند. ظهور نهضت جهانی شدن دگرگونی هایی را در نظام های واحد خاص (محلی یا ملی) و ترتیبات سنتی - ملی دولت ها و جوامع پدید می آورد.

۶- کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت که خود محصول ظهور و غلبه تکنولوژی های جدید آموزشی و فن آوری انتقال اطلاعات می باشد.

۷- هدایت نظام های آموزشی به سمت تامین نیازهای بازار آزاد در جهت سودآوری بیشتر و تحمیل شکل نوینی از امپریالیسم فرهنگی، سعی در جهت گیری کاپیتالیستی - مدرنیستی تعلیم و تربیت و تامین نیازهای بازار و دامن زدن به قاعده مصرف گرای.

۸- تبدیل نظام های آموزشی به صورت مراکزی در جهت تامین نیروی کار مناسب برای شرکت های فراملیتی و اقتصاد سرمایه داری و القای نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت.

۹- تغییر جهت گیری های برنامه های تربیتی از حالت بلند مدت به کوتاه مدت.

۱۰- به واسطه اجرای اهداف فرهنگی مبتنی بر ایده های امپریالیستی ، نظام تربیتی فاقد خصیصه نظارت و داوری سیاسی و

اخلاقی ملی و محلی خواهد شد.